

Jesus lehrt das Beten. Das Vaterunser

¹Und es begab sich, dass er an einem Ort war und betete. Und als er aufgehört hatte, sprach einer seiner Jünger zu ihm: HERR, lehre uns beten, wie auch Johannes seine Jünger lehrte.²Er aber sprach zu ihnen: Wenn ihr betet, so sprecht: Unser Vater im Himmel, dein Name werde geheiligt. Dein Reich komme. Dein Wille geschehe auf Erden wie im Himmel.³Gib uns unser tägliches Brot jeden Tag.⁴Und vergib uns unsere Sünden, denn auch wir vergeben allen, die uns schuldig sind. Und führe uns nicht in Versuchung, sondern erlöse uns von dem Bösen.

Vom aufdringlichen Freund

⁵Und er sprach zu ihnen: Wer ist unter euch, der einen Freund hat und um Mitternacht zu ihm geht und zu ihm spricht: Lieber Freund, leih mir drei Brote; denn es ist mein Freund zu mir gekommen von der Straße, und ich habe nichts, was ich ihm vorlegen kann;⁷und der drinnen würde antworten und sprechen: Mach mir keine Unruhe! Die Tür ist schon zugeschlossen, und meine Kinder sind schon bei mir im Bett; ich kann nicht aufstehen und dir etwas geben.⁸Ich sage euch: Und wenn er nicht aufsteht und ihm etwas gibt, weil er sein Freund ist, so wird er doch wegen seines unverschämten Drängens aufstehen und ihm geben, so viel er bedarf.⁹Und ich sage euch auch: Bittet, so wird euch gegeben; suchet, so werdet ihr finden; klopft an, so wird euch aufgetan.¹⁰Denn wer da bittet, der empfängt; und wer sucht, der findet; und wer anklopft, dem wird aufgetan.¹¹Wo bittet unter euch ein Sohn den Vater um

تعلیم دعا

¹وهنگامی که او در موضعی دعا می‌کرد، چون فارغ شد، یکی از شاگردانش به وی گفت: خداوند، دعا کردن را به ما تعلیم نما، چنانکه یحیی شاگردان خود را بیاموخت.²بدیشان گفت: هرگاه دعا کنید، گویند: ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدّس باد. ملکوت تو بیاید. اراده تو چنانکه در آسمان است، در زمین نیز کرده شود.³نان کفاف ما را روز به روز به ما بده. و گناهان ما را ببخش زیرا که ما نیز هرقرضدار خود را می‌بخشیم. و ما را در آزمایش میاور، بلکه ما را از شریر رهایی ده.

مَثَل یک دوست که می پرسد

⁵و بدیشان گفت: کیست از شما که دوستی داشته باشد و نصف شب نزد وی آمده، بگوید: ای دوست، سه قُرص نان به من قَرُض ده،⁶چونکه یکی از دوستان من از سفر بر من وارد شده و چیزی ندارم که پیش او گذارم.⁷پس او از اندرون در جواب گوید: مرا زحمت مده، زیرا که الآن در بسته است و بچه‌های من در رختخواب با من خفته‌اند، نمی‌توانم برخاست تا به تو دهم.⁸به شما می‌گویم: هر چند به علّت دوستی برنخیزد تا بدو دهد، لیکن جهت لجاجت خواهد برخاست و هر آنچه حاجت دارد، بدو خواهد داد.⁹و من به شما می‌گویم: سؤال کنید که به شما داده خواهد شد. بطلبید که خواهید یافت. بگویند که برای شما باز کرده خواهد شد.¹⁰زیرا هر که سؤال کند، یابد و هر که بطلبید، خواهد یافت و هر که کوید، برای او باز کرده خواهد شد.¹¹و کیست از شما که پدر باشد و پسرش از او نان خواهد، سنگی بدو دهد؟ یا اگر ماهی خواهد، به عوض ماهی ماری بدو بخشد؟¹²یا اگر تخم‌مرغی بخواید، عقربی بدو عطا کند؟¹³پس اگر شما با آنکه شریر هستید، می‌دانید چیزهای نیکو را به اولاد خود باید داد، چند مرتبه زیاده‌تر پدر آسمانی شما روح‌القدس را خواهد داد به هر که از او سؤال کند.

سلطان عیسی در بعزلبول

¹⁴و دیوی را که گنگ بود بیرون می‌کرد و چون دیو بیرون شد، گنگ گویا گردید و مردم تعجب نمودند.¹⁵لیکن بعضی از ایشان گفتند: که دیوها را به یاری بعزلبول، رئیس دیوها، بیرون می‌کند.¹⁶و دیگران از روی امتحان آیتی آسمانی از او طلب نمودند.¹⁷پس

Brot, und der bietet ihm einen Stein dafür? oder um einen Fisch, und der bietet ihm eine Schlange für den Fisch?¹² oder er bittet um ein Ei, und der bietet ihm einen Skorpion dafür?¹³ Wenn nun ihr, die ihr böse seid, euren Kindern gute Gaben geben könnt, wie viel mehr wird der Vater im Himmel den Heiligen Geist geben denen, die ihn bitten!

Die Lästerung der Pharisäer

¹⁴Und er trieb einen Dämon aus, der war stumm. Und es geschah, als der Dämon ausfuhr, da redete der Stumme. Und das Volk wunderte sich.¹⁵ Einige aber unter ihnen sprachen: Er treibt die Dämonen aus durch Beelzebul, den Obersten der Dämonen.¹⁶ Die anderen aber versuchten ihn und begehrten ein Zeichen von ihm vom Himmel.¹⁷ Er aber erkannte ihre Gedanken und sprach zu ihnen: Jedes Reich, das mit sich selbst uneins ist, wird verwüstet; und ein Haus das geteilt ist stürzt ein.¹⁸ Wenn aber der Satan auch mit sich selbst uneins ist, wie will sein Reich bestehen? Denn ihr sagt, ich treibe die Dämonen aus durch Beelzebul.¹⁹ Wenn aber ich die Dämonen durch Beelzebul austreibe, durch wen treiben sie eure Söhne aus? Darum werden sie eure Richter sein.²⁰ Wenn ich aber durch Gottes Finger die Dämonen austreibe, so ist ja das Reich Gottes zu euch gekommen.²¹ Wenn ein starker Gewappneter seinen Palasthof bewacht, so bleibt das seine in Frieden.²² Wenn aber ein Stärkerer über ihn kommt und ihn überwindet, so nimmt er ihm seine Rüstung, auf die er sich verließ, und verteilt seine Beute.²³ Wer nicht mit mir ist,

او خیالات ایشان را درک کرده، بدیشان گفت: هر مملکتی که برخلاف خود منقسم شود، تباہ گردد و خانه‌ای که بر خانه منقسم شود، منهدم گردد.¹⁸ پس شیطان نیز اگر به ضدّ خود منقسم شود، سلطنت او چگونه پایدار بماند. زیرا می‌گویید: که من به اعانت بعزبول دیوها را بیرون می‌کنم.¹⁹ پس اگر من دیوها را به وساطت بعزبول بیرون می‌کنم، پسران شما به وساطت که آنها را بیرون می‌کنند؟ از اینجهت ایشان داوران بر شما خواهند بود.²⁰ لیکن هرگاه به انگشت خدا دیوها را بیرون می‌کنم، هرآینه ملکوت خدا ناگهان بر شما آمده است.²¹ وقتی که مرد زورآور سلاح پوشیده، خانه خود را نگاه دارد، اموال او محفوظ می‌باشد.²² اما چون شخصی زورآورتر از او آید، بر او غلبه یافته، همهٔ اسلحهٔ او را که بدان اعتماد می‌داشت، از او می‌گیرد و اموال او را تقسیم می‌کند.²³ کسی که با من نیست، برخلاف من است و آنکه با من جمع نمی‌کند، پراکنده می‌سازد.²⁴ چون روح پلید از انسان بیرون آید، به مکانهای بی‌آب بطلب آرامی گردش می‌کند و چون نیافت، می‌گوید به خانه خود که از آن بیرون آمدم برمی‌گردم.²⁵ پس چون آید، آن را جاروب کرده شده و آراسته می‌بیند.²⁶ آنگاه می‌رود و هفت روح دیگر، شریکتر از خود برداشته داخلشده در آنجا ساکن می‌گردد و اواخر آن شخص از او ائش بدتر می‌شود.

²⁷ چون او این سخنان را می‌گفت، زنی از آن میان به آواز بلند وی را گفت: خوشبحال آن رَجَمی که تو را حمل کرد و پستانهایی که مکیدی.²⁸ لیکن او گفت: بلکه خوشبحال آنانی که کلام خدا را می‌شنوند و آن را حفظ می‌کنند.

آیت یونس نبی

²⁹ و هنگامی که مردم بر او ازدحام می‌نمودند، سخن گفتن: آغاز کرد که اینان فرقه‌های شریکند که آیتی طلب می‌کنند و آیتی بدیشان عطا نخواهد شد، جز آیت یونس نبی.³⁰ زیرا چنانکه یونس برای اهل نینوا آیت شد، همچنین پسر انسان نیز برای این فرقه خواهد بود.³¹ بلکه جنوب در روز داوری با مردم این فرقه برخاسته، بر ایشان حکم خواهد کرد زیرا که از اقصای زمین آمد تا حکمت سلیمان را بشنود و اینک، در اینجا کسی بزرگتر از سلیمان است.³² مردم نینوا در

der ist gegen mich; und wer nicht mit mir sammelt, der zerstreut.²⁴ Wenn der unsaubere Geist von dem Menschen ausfährt, so geht er durch dürre Stätten, sucht Ruhe und findet sie nicht; dann spricht er: Ich will wieder umkehren in mein Haus, von dem ich ausgegangen bin.²⁵ Und wenn er kommt, findet er's gekehrt und geschmückt.²⁶ Dann geht er hin und nimmt sieben Geister mit sich, die böser sind als er selbst; und wenn sie hineinkommen, wohnen sie dort, und es wird das Letzte jenes Menschen schlimmer als das Erste.

²⁷ Und es begab sich, als er dies redete, da erhob eine Frau im Volk die Stimme und sprach zu ihm: Selig ist der Leib, der dich getragen hat, und die Brüste, die du gesogen hast.²⁸ Er aber sprach: Selig sind vielmehr, die das Wort Gottes hören und bewahren.

Das Zeichen des Jona

²⁹ Die Menge aber drängte herzu. Da fing er an und sagte: Dieses Geschlecht ist ein böses Geschlecht; es begehrt ein Zeichen, aber es wird ihm kein Zeichen gegeben als nur das Zeichen des Propheten Jona.³⁰ Denn wie Jona ein Zeichen war für die Leute von Ninive, so wird der Menschensohn sein für dieses Geschlecht.³¹ Die Königin von Mittag wird auftreten im Gericht mit den Leuten dieses Geschlechts und wird sie verdammen; denn sie kam vom Ende der Welt, um die Weisheit Salomos zu hören. Und siehe, hier ist mehr als Salomo.³² Die Leute von Ninive werden auftreten im Gericht mit diesem Geschlecht und werden's verdammen; denn sie taten Buße nach der

روز داوری با این طبقه برخاسته، بر ایشان حکم خواهند کرد زیرا که به موعظه یونس توبه کردند و اینک، در اینجا کسی بزرگتر از یونس است.

چشم چراغ بدن است

³³ و هیچکس چراغی نمیافروزد تا آن را در پنهانی یا زیر پیمانهای بگذارد، بلکه بر چراغدان، تا هر که داخل شود روشنی را ببندد.³⁴ چراغ بدن چشم است، پس مادامی که چشم تو بسیط است، تمامی جسدت نیز روشن است و لیکن اگر فاسد باشد، جسد تو نیز تاریک بُود.³⁵ پس باحذر باش مبادا نوری که در تو است، ظلمت باشد.³⁶ بنابراین، هرگاه تمامی جسم تو روشن باشد و ذرّهای ظلمت نداشته باشد، همهاش روشن خواهد بود، مثل وقتی که چراغ به تابش خود، تو را روشنایی می‌دهد.

نکوهش فریسیان و معلّمان شریعت

³⁷ و هنگامی که سخن می‌گفت، یکی از فریسیان از او وعده خواست که در خانه او چاشت بخورد. پس داخل شده بنشست.³⁸ اما فریسی چون دید که پیش از چاشت دست نشُست، تعجّب نمود.³⁹ خداوند وی را گفت: همانا شما، ای فریسیان، بیرون پیاله و بشقاب را طاهر می‌سازید ولی درون شما پُر از حرص و خباثت است.⁴⁰ ای احمقان، آیا او که بیرون را آفرید، اندرون را نیز نیافرید؟⁴¹ بلکه از آنچه دارید، صدقه دهید که اینک، همه چیز برای شما طاهر خواهد گشت.⁴² وای بر شما، ای فریسیان، که ده یک از نعناع و سُداب و هر قسم سبزی را می‌دهید و از دادرسی و محبّت خدا تجاوز می‌نمایید؛ اینها را می‌باید بجا آورید و آنها را نیز ترک نکنید.⁴³ وای بر شما، ای فریسیان، که صدر کنایس و سلام در بازارها را دوست می‌دارید.⁴⁴ وای بر شما، ای کاتبان و فریسیان رباکار، زیرا که مانند قبرهای پنهان شده هستید که مردم بر آنها راه می‌روند و نمی‌دانند.

⁴⁵ آنگاه یکی از فقها جواب داده، گفت: ای معلّم، بدین سخنان ما را نیز سرزنش می‌کنی؟⁴⁶ گفت: وای بر شما نیز، ای فقها، زیرا که بارهای گران را بر مردم می‌نهدید و خود بر آن بارها، یک انگشت خود را نمی‌گذارید.⁴⁷ وای بر شما، زیرا که مقابر انبیا را بنا می‌کنید و پدران شما ایشان را کشتند.⁴⁸ پس به کارهای پدران خود شهادت می‌دهید و از آنها راضی

Predigt des Jona. Und siehe, hier ist mehr als Jona.

Vom Licht und vom Auge

³³Niemand zündet ein Licht an und stellt es an einen verborgenen Ort, auch nicht unter einen Scheffel, sondern auf den Leuchter, damit, wer hineingeht, das Licht sehe. ³⁴Das Auge ist das Licht des Leibes. Wenn nun dein Auge rein ist, so ist dein ganzer Leib licht; wenn aber dein Auge böse ist, so ist auch dein Leib finster. ³⁵So achte darauf, dass nicht das Licht in dir Finsternis sei. ³⁶Wenn nun dein Leib ganz licht ist, und keinen finsternen Teil hat, so wird er ganz licht sein, wie wenn ein Licht mit hellem Strahl dich erleuchtet.

Jesus tadelt die Pharisäer

³⁷Als er aber noch redete, bat ihn ein Pharisäer, mit ihm das Mittagmahl zu essen. Und er ging hinein und setzte sich zu Tisch. ³⁸Als das der Pharisäer sah, wunderte er sich, dass er sich nicht vor dem Essen gewaschen hätte. ³⁹Der HERR aber sprach zu ihm: Ihr Pharisäer haltet die Becher und Schüsseln äußerlich rein, aber euer Inneres ist voller Raub und Bosheit. ⁴⁰Ihr Unverständigen, hat nicht der, der das Äußere geschaffen hat, auch das Innere geschaffen? ⁴¹Doch gebt Almosen von dem, was darin ist, siehe, so ist's euch alles rein. ⁴²Aber weh euch Pharisäern, denn ihr verzehntet die Minze und Raute und allerlei Kraut, und geht vorbei an dem Gericht und an der Liebe Gottes! Dies sollte man tun und jenes nicht lassen. ⁴³Weh euch Pharisäern, denn ihr sitzt gerne obenan in den Schulen und wollt begrüßt sein auf dem Markt. ⁴⁴Weh euch, Schriftgelehrte und Pharisäer, ihr

هستید، زیرا آنها ایشان را کشتند و شما قبرهای ایشان را می‌سازید. ⁴⁹از این رو حکمت خدا نیز فرموده است که به سوی ایشان انبیا و رسولان می‌فرستم و بعضی از ایشان را خواهند کشت و بر بعضی جفا خواهند کرد، ⁵⁰تا انتقام خون جمیع انبیا که از بنای عالم ریخته شد از این طبقه گرفته شود. ⁵¹از خون هابیل تا خون زکریّا که در میان مذبح و معبدکشته شد. بلی به شما می‌گویم که از این فرقه بازخواست خواهد شد. ⁵²وای بر شما، ای فقها، زیرا کلید معرفت را برداشته‌اید که خود داخل نمی‌شوید و داخل شوندگان را هم مانع می‌شوید.

⁵³و چون او این سخنان را بدیشان می‌گفت، کاتبان و فریسیان با او به شدّت درآویختند و در مطالب بسیار سؤالها از او می‌کردند. ⁵⁴و در کمین او می‌بودند تا نکته‌های از زبان او گرفته، مدّعی او بشوند.

Heuchler, denn ihr seid wie die verdeckten Gräber, über die die Leute laufen, und sie nicht kennen!

⁴⁵ Da antwortete einer von den Schriftgelehrten und sprach zu ihm: Meister, mit den Worten beleidigst du uns auch. ⁴⁶ Er aber sprach: Und weh auch euch Schriftgelehrten! denn ihr beladet die Menschen mit unerträglichen Lasten, und ihr rührt sie nicht mit einem Finger an. ⁴⁷ Weh euch! denn ihr baut die Gräber der Propheten; eure Väter aber haben sie getötet. ⁴⁸ So bezeugt ihr und bekräftigt die Werke eurer Väter; denn sie töteten sie, ihr aber baut ihre Gräber. ⁴⁹ Darum spricht die Weisheit Gottes: Ich will Propheten und Apostel zu ihnen senden, und einige von ihnen werden sie töten und verfolgen; ⁵⁰ damit gefordert werde von diesem Geschlecht das Blut aller Propheten, das vergossen ist, seit der Welt Grund gelegt ist, ⁵¹ von Abels Blut an bis auf das Blut des Zacharias, der umkam zwischen dem Altar und Tempel. Ja, ich sage euch: Es wird gefordert werden von diesem Geschlecht. ⁵² Weh euch Schriftgelehrten! Denn ihr habt den Schlüssel der Erkenntnis weggenommen. Ihr kommt nicht hinein und wehrt denen, die hineinwollen. ⁵³ Als er aber dies zu ihnen sagte, fingen die Schriftgelehrten und Pharisäer an, hart auf ihn einzudringen und ihm mit mancherlei Fragen zuzusetzen, ⁵⁴ und lauerten ihm auf und suchten, ob sie etwas erjagen könnten aus seinem Mund, damit sie etwas gegen ihn hätten.